

اخلاق و آداب تجارت در نهج البلاغه

محمد ذاکری

دانشجوی مقطع دکترا رشته فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران

چکیده

"کسب و تجارت" موضوعی است که در همه جوامع بشری بوده و هست و قبل از آنکه یک موضوع تشریعی باشد یک امر تکوینی، انسانی و بشری بوده و ادیان آسمانی بویژه اسلام در راستای اهمیت آن به کمک بشر شتافته، و به نظم و نسق دادن آن پرداخته. در نهج البلاغه و دیگر مجموعه‌های حدیثی، مطالب بسیار ارزشمند و دقیقی در خصوص تجارت و کاسبی به چشم می‌خورد. پیامبر اسلام (ص) خود به تجارت و بازرگانی توجه داشته و در دوره جوانی با عموی خود ابوطالب به سفرهای تجاری می‌رفته، سپس عامل تجاری خدیجه شد تا جایی که امانتداری و خوش رفتاری او در تجارت، باعث توجه بیشتر خدیجه به او شد که همین امر هم مسبب ازدواج آن دو گردید. و پس از بعثت هم، خدیجه تمام ثروت و دارایی خود را در راه اسلام هزینه نمود و باعث شکوفایی آن گردید. بدون تردید، تجارت و بازرگانی نقش عمده‌ای در شکوفایی و رونق اقتصادی یک جامعه داشته، از همین روست که تجارت، در همه زمان‌ها، مظهر فعالیت‌های اقتصادی بوده و تجار و بازرگانان صالح و پایبند به اخلاق و ارزش‌ها به عنوان طبقه ارزشمند و تأثیرگذار در پیشرفت و توسعه به حساب آمده‌اند.

در این مقاله تلاش شده به موضوع اخلاق و آداب "تجارت و بازرگانی" از نگاه نهج البلاغه پرداخته شود و سیری در کلام امام علی (ع) در رابطه با این موضوع داشته باشیم.

واژه‌های کلیدی: نهج البلاغه، امام علی (ع)، اسلام، اخلاق، آداب

اقسام تجارت و کاسبی^۱

حکمت ۴۳۱

قال علی (ع): أَلَرَزَقُ رِزْقَانِ: طَالِبٌ وَ مَطْلُوبٌ...
فَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَهُ الْمَوْتُ حَتَّى يُخْرِجَهُ عَنْهَا وَ مَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفِيَ رِزْقَهُ مِنْهَا
رزق و روزی دو گونه است: یکی آنکه انسان را می جوید و دیگری آنکه انسان آن را می جوید (خواسته انسان است)...

کسی که دنیا را طلب می کند، مرگ او را می طلبد تا او را از دنیا خارج سازد و کسی که طالب آخرت است، دنیا در طلب او برمی آید، تا روزی کامل خود را از آن برگرد.
بنا به فرمایش مولی امیرالمؤمنین (ع) رزق اقسامی دارد:

الف) طالب

یعنی رزق و روزی که بدون کار و تلاش یدی و جسمی حاصل می شود، همان رزق لایحتسبی که قرآن از آن یاد می کند که از راه پاکی و درستی و تقوی حاصل می شود، رزق طالب یعنی رزق "خدادادی" که از خزائن بی کران خداوند که در شرایط خاصی ارزانی بندگان خاصی می شود.

رزق "خدادادی" خود دو گونه است:

- ۱- رزق خدادادی محض، مثل: امدادهای غیبی مادی خداوند
 - ۲- رزق خدادادی غیرمحض، مثل: ارث، هدایا و عطایایی که از دیگران به انسان می رسد.
- رزق خدادادی غیرمحض نیز به دو طریق قابل تصور است:

۱. بدون محاسبه و حساب کتاب قبلی:

مثل اینکه گاهی فردی بطور اتفاقی تنها وارث یکی از خویشان خود می شود در حوادثی مثل جنگ، زلزله و تصادفات و...، این اتفاق افتاده است که خانواده ای کلاً در چنین حوادثی از بین رفته اند و برادرزاده یا عموزاده ناگهان وارث دارائی های همه آنها یا فردی از آنها می شود یا اینکه فردی ناخواسته وصی یا امین فرد دیگری قرار می گیرد و از این طریق منافع برایش حاصل می گردد.

1- All kinds of trade and business

۲- سوره طلاق، آیات ۲ و ۳

مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ

۲. با محاسبه و حساب کتاب قبلی:

مثل دریافت ارث از بستگان سببی یا نسبی شخص، دریافت و جوائز معلوم و از پیش تعیین شده، یا اخذ وجوهات شرعیه از مبادی معلوم

ب) رزق مطلوب

یعنی رزقی که باید دنبال آن رفت و آن را طلب کرد و بدست آورد. تا تلاش نکنید و دنبالش نروید به چنگ نمی آید.

هرکس تلاش کند آن را بدست آورد و کسانی که تلاش ندارند از آن بهره ای هم ندارند. این نوع رزق به آسانی و به راحتی به دست نمی آید، طبیعی است هرکس کار و تلاش بیشتری نماید، سهم بیشتری از آن خواهد برد، باید کار کرد و تلاش نمود و سختی کشید و رفت دنبالش، با نشستن و دست روی دست انداختن چیزی از آن رزق به سراغ انسان نمی آید.

اینجاست که کار و تلاش برای تحصیل و بدست آوردن رزق و روزی حلال اهمیت خاصی می یابد. تحصیل و به دست آوردن همین نوع رزق و روزی است که منشأ همه فعالیت های اقتصادی و زمینه ساز تمامی صنایع و مشاغل و در نتیجه رونق و پیشرفت جامعه خواهد بود. تجارت و بازرگانی، نیز در راستای کسب همین قسم از رزق معنا و مفهوم پیدا می کند. در واقع تجارت، همان تلاش و کوششی است برای به دست آوردن "رزق مطلوب"

حکمت ۴۷۹

قال علی (ع): يَا بَنَ آدَمَ، اَلرِّزْقُ رِزْقَانِ: رِزْقٌ تَطْلُبُهُ، وَ رِزْقٌ يَطْلُبُكَ، فَاِنْ لَمْ تَأْتِهِ اُتَاكَ، فَلَا تَحْمِلْ هَمَّ سَتِّكَ عَلَى هَمِّ يَوْمِكَ، كَفَاكَ كُلُّ يَوْمٍ عَلَى مَا فِيهِ، فَاِنْ تَكُنَّ السَّنَةُ مِنْ عُمْرِكَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيُؤْتِيكَ فِي كُلِّ غَدٍ جَدِيدٍ مَا قَسَمَ لَكَ وَ اِنْ لَمْ تَكُنَّ السَّنَةُ مِنْ عُمْرِكَ فَمَا تَضَعُ بِالْهَمِّ فِيمَا لَيْسَ لَكَ وَ لَنْ يَسْبِقَكَ اِلَى رِزْقِكَ طَالِبٌ، وَ لَنْ يَغْلِبَكَ عَلَيْهِ غَالِبٌ وَ لَنْ يُبْطِيَ عَنْكَ مَا قَدَّ قَدَّرَ لَكَ
ای فرزند آدم! روزی دو گونه است:

یکی آنکه تو در جستجوی آن هستی و دیگری آنکه تو را می جوید. که اگر به دنبال آن نروی به سراغ تو می آید. فکر و اندوه سال آینده را بر فکر و اندوه امروز اضافه مکن! بنابراین رسیدگی به مشکلات هر روز برای آن روز کافی است. اگر سال آینده جزء عمرت باشد، خداوند هر روز تازه، روزی تازه می دهد و اگر از عمرت نیست، چرا غم و اندوه چیزی بخوری که مربوط به تو نیست، بدان کسی پیش از تو به روزی تو نمی رسد و آن از دست تو بیرون نتواند آورد و آنچه برای تو مقدور شده، هرگز تأخیر نخواهد کرد!

شرائط و آداب تجارت

۲-۱ تجارت و آگاهی از احکام^۱

قال علی (ع): مَنْ اَتَجَرَ بَغَيْرِ فِقْهِ فَقَدْ ارْتَضَمَ فِي الرِّبَا

آن کس که بدون آگاهی از احکام، به تجارت بپردازد در ربا غوطه ور خواهد شد. بدون تردید "تجارت و بازرگانی" یک دانش است که اصول و مبانی خود را دارد و آگاهی و فراگیری این اصول بر هر تاجر و بازرگانی لازم و ضروری است. و اگر چنانچه به "تجارت و بازرگانی" بعنوان یک "حرفه و مهارت" نگاه کنیم، باز هم باید آن مهارت را یاد گرفت، کسب هر مهارتی نیز اصول و چهار چوبی دارد، مهارت آموختنی است. "تجارت" از نظر شرع، یک فعالیت اقتصادی که ضوابط، مقررات و احکامی دارد، "فقه تجارت" متولی همان مقررات و احکام شرعی تجارت است.

۲-۲ تجارت و یاد خدا^۲

خطبه ۶/۲۲۲

وَ اِنَّ لِلَّذِكْرِ لَاهْلًا اَخَذُوهُ مِنَ الدُّنْيَا بَدَلًا فَلَمْ تَشْغَلْهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْهُ...^۳

همانا ذکر و یاد خدا اهلی دارد که آن را به جای زرق و برق دنیا برگزیده‌اند، لذا هیچ تجارت و داد و ستدی آنها را از یاد خدا باز نداشته است. (باز نمی‌دارد) کارهای انسان هر چه باشد، فانی و ناپایدار است، محدود و کوچک است. اما هنگامی که آن را به ذات احدیت پیوند می‌دهد، پایدار و بی‌انتهای می‌گردد و از عظمت و بزرگی بهره‌مند می‌شود. نیروی انسان، هر چه باشد ضعیف و کوچک است، اما هنگامی که این قطره ناچیز به اقیانوس پر عظمت قدرت الهی، ضمیمه شود عظمت پیدا می‌کند و این است رمز و راز "یاد خدا" در کارها. و اینجاست که تاجران و بازرگانان، بهتر است برای موفقیت هر چه بیشتر در فعالیت‌های اقتصادی خود، از یاد خدا غافل نباشند.

1- Trade and know ledge of the rules

۲- تجارت و یاد خدا: Trade and remembrance of Allah

۳- اشاره به آیه: رَجُلًا لَا تُلْهِیْهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَاقَامِ الصَّلَاةِ... وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا

۳-۲ تجارت و خشنودی و رضایت خدا^۱

حکمت ۴۲۹

قال علی (ع): إِنَّ أَعْظَمَ الْحَسَرَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حَسْرَةُ رَجُلٍ كَسَبَ مَالًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ، فَوَرِثَهُ رَجُلٌ فَأَنْفَقَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَدْخَلَ بِهِ الْجَنَّةَ، وَدَخَلَ الْأَوَّلُ بِهِ النَّارَ.

بزرگترین حسرت ها در قیامت حسرت شخصی است که ثروتی را از راه حرام به دست آورده و آن را برای کسی به ارث گذاشته که در راه خدا انفاق کرده است و خدا به خاطر این مال، او را داخل بهشت، و شخص اول را بخاطر همان وارد جهنم گردانیده است.

برای یک انسان مؤمن و معتقد "رضایت و خشنودی خداوند" مهمترین شاخصه حرکات و فعالیت های او بوده، و قدم های خود را در همین جاده استوار می سازد.

از آنجا که دنیا، شبیه بازار می ماند و انسان بطور مداوم و پیوسته در حال داد و ستد و خرید و فروش است، چیزهایی را می خرد و به دست می آورد، و چیزهایی را می فروشد و آنرا از دست می دهد، تاجر و بازرگان معتقد در هر دو حالت به یاد خدا و در جهت خشنودی و کسب رضایت او فعالیت های اقتصادی خود را انجام می دهد.

انسان چه بخواهد و چه نخواهد، در این دنیا زندگی کاسبانه دارد، پس چه بهتر که با خدای خود معامله کند و او را طرف معامله خود قرار دهد و رضایتمندی او را مدار و ملاک قرار بماند.

و براستی چه اندوه و حسرتی بزرگتر از این که، انسان سرمایه های مادی و معنوی خود را بی جهت و بدون هیچگونه دست آوردی از دست بدهد و فقط دیگران از آن بهره مند و منتفع گردند و اسباب سعادت و رستگاری آنها شود؟!

مال و ثروت، وسیله است نه هدف. وسیله ای برای رسیدن به کمال و سعادت "لذا هم کسب و بدست آوردن آن با یاد و نام خدا باشد و هم استفاده و بهره مندی از آن برای خوشنودی خداوند."

۴-۲ تجارت و آزمایش الهی^۲

و قال (ص) یا علی (ع): إِنَّ الْقَوْمَ سَيَفْتَنُونَ بِأَمْوَالِهِمْ، وَيَمْنُونُ بِدِينِهِمْ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَتَمَنُونَ رَحْمَتَهُ، وَيَأْمَنُونَ سَطَوَتَهُ، وَيَسْتَحِلُّونَ حَرَامَهُ بِالشُّبُهَاتِ الْكَاذِبَةِ، وَالْأَهْوَاءِ السَّاهِيَةِ، فَيَسْتَحِلُّونَ الْخَمْرَ وَالنَّبِيدَ، وَالسُّحْتَ بِالْهَدْيَةِ وَالرِّبَا بِالْبَيْعِ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَبَائِلُ الْمَنَازِلِ أُنْزِلُهُمْ عِنْدَ ذَلِكَ؟

أَبِمَنْزِلَةٍ رَدَّةٍ. أَمْ بِمَنْزِلَةٍ فَتْنَةٍ؟

فَقَالَ: بِمَنْزِلَةٍ فَتْنَةٍ.^۳

1- Trade and pleasing to God
2- Trade and divine test

فرمودند: یا علی، مردم پس از من با ثرویشان آزمایش می‌گردند و دیندار بودن را مَتّی بر خدا قرار می‌دهند. و با این حال انتظار رحمتش دارند. و از قدرت و خشمش خود را در امان می‌بینند، حرام او را با شبهات دروغین، و هوس‌های غفلت را حلال می‌شمارند. شراب را بنام "نبنند" رشوه را بنام "هدیه" و ربا را به اسم "تجارت" حلال می‌دانند. گفتیم: ای پیامبر!! کار آنها را در چه مرتبه‌ای قرار دهیم؟ آیا بمنزله ارتداد و بازگشت از دین و یا مرحله فتنه و آزمایش بدانیم؟ فرمود: در مرحله فتنه و آزمایش بدان. اسباب آزمون الهی فراوان است. خداوند به انحاء مختلف بندگان خود را می‌آزماید. یکی از این آزمون‌ها، بوسیله مال و دارایی انجام می‌گیرد. آزمون مالی نیز گونه‌هایی دارد:

گاهی از طریق "کاهش مال" یعنی فقر و نداری و گاهی بطریق "افزایش مال و فزونی" مال و ثروت صورت می‌گیرد، بعبارت دیگر: خداوند گاهی به "گرفتن و ستاندن" و گاهی هم به "دادن و اعطا مال" فردی را مورد آزمون قرار می‌دهد.

معمولاً تاجران و بازرگانان، بدلیل دارایی و ثروتی که دارند در معرض آزمون قرار دارند، و تجارت وسیله آزمون آنهاست. برخی تاجران و ثروتمندان به سوی "تجارت حرام" شتافته و به اسم تجارت، به رشوه‌خواری، ربا و لهو و لعب پرداخته‌اند.

۵-۲ تجارت و تلاش معقولانه^۱

حکمت ۳۹۳

قال علی (ع): خُذْ مِنَ الدُّنْيَا مَا آتَاكَ، وَتَوَلَّ عَمَّا تَوَلَّى عَنْكَ فَإِنَّ أُنْتَ لَمْ تَفْعَلْ فَأَجْمِلْ فِي الطَّلَبِ.

از دنیا همان قدر بگیر که به تو می‌رسد و آنچه از تو رو گردانده بدنبالش مشتتاب، و اگر چنین نمی‌کنی لافل تلاش معقولانه و مشروع کن.

خداوند به انسان عقل داد، تا کارهای خود را بر محور آن و عاقلانه انجام دهند. عقل در کنار وحی و شرع، میزان و شاقول راستی و درستی کارهاست. عقل و شرع هر کدام دلیل مستقلی برای سنجش کارها بوده. در تجارت و بازرگانی، علاوه بر رعایت موازین شرعی، باید موازین عقلی نیز لحاظ نمود. حال اگر موازین شرعی و عقلی هر دو مراعات شود که چه بهتر!! اما اگر به هر دلیلی، احکام شرعی لحاظ نگردد لافل باید اصول و معیارهای عقلی را مدنظر قرار داد. و از تلاش‌های غیرعاقلانه اجتناب نمود، تجارت و کار و کاسبی، بدون محاسبه امکان‌پذیر نیست و محاسبه (حساب و کتاب) یک کار عقلی است. بنابراین، لازمه کار تجارت، عاقل بودن و عاقلانه تلاش کردن است.

1- Trade reasonable efforts

۶-۲ تجارت و عمل صالح

حکمت ۱۱۳

قال علی (ع):... وَ لَآ تِجَارَةٌ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ

هیچ تجارتی همچون عمل صالح نیست.

بر اساس آموزه‌های دینی، دنیا شبیه بازار است، در این بازار کالاهایی عرضه شود، بعضی فروشنده، بعضی خریدارند، عده‌ای سود می‌برند، عده‌ای دیگر زیان می‌بینند.

آنهاییکه سود می‌برند، برخی سود فراوان، و برخی سود اندک عائدشان می‌شود، و آنهاییکه زیان می‌بینند، بعضی ضرر و زیان اندک و بعضی ضرر و زیان فراوان.

بهترین و با ارزشترین کالاها "عمل صالح" و بهترین و پرسودترین معامله، معامله‌ای با خداوند است. بازرگان مؤمن و معتقد، تلاش می‌کند در این بازار آشفته بهترین کالا را عرضه نماید و بیشترین سود را ببرد و با بهترین خریدار معامله نماید.

۷-۲ تجارت و ورع و پرهیزکاری^۱

أَيْنَ أَخْيَارُكُمْ وَ صَلَحَاؤُكُمْ! وَ أَيْنَ أَحْرَارُكُمْ، وَ سَمَحَاؤُكُمْ وَ أَيْنَ الْمُتَوَرَّعُونَ فِي مَكَاسِبِهِمْ، وَ الْمُتَنَزِّهُونَ فِي مَذَاهِبِهِمْ

کجا هستند خوبان شما، صالحان، آزاد مردان و سخاوتمندان شما؟ کجا هستند کسانی که در کسب و کارشان با ورع بودند، و در مذهب (راه و روش) خود از بدی‌ها دوری می‌جستند؟!

انسان، به مثابه و مانند مسافری می‌ماند که سفری طولانی و سخت در پیش دارد و باید منازل را پشت سر بگذارد. در این سفر نیاز به زاد و توشه دارد، بهترین توشه "تقوی و پرهیزگاری" است.^۲

بنابراین تجار و بازرگانان، همانگونه که کارشان تهیه آذوقه و نیازمندی‌های هموعان خود در این منزل از منازل پیش رو می‌باشد باید تلاش کنند بهترین زاد و توشه را هم برای خود و هم برای دیگران که همانا تقوی است همراه سازند، و از چیزهایی که اصلاً شایستگی زاد و توشه بودن ندارند، دوری گیرند.

۸-۲ تجارت و آسان‌گیری^۳

۹-۲ تجارت و پرهیز از احتکار^۴

وَلْيَكُنْ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا: بِمَوَازِينِ عَدْلٍ، وَأَسْعَارَ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ، فَمَنْ قَارَفَ حَكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَنَكَّلْ بِهِ، وَعَاقِبُهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ.^۱

۱- تجارت و ورع و پارسایی: Trade and piety: Trade and piety

۲- وان خیر اللذات التقوی

۳- تجارت و آسان‌گیری: Trade and leniency

۴- تجارت و پرهیز از احتکار: Trade and avoid speculation

باید معاملات با شرایط آسان صورت گیرد، با موازن عدل و نرخ‌هایی که نه به فروشنده زیان رساند و نه به خریدار! و هر گاه کسی پس از نهي تو از احتکار به چنین کاری دست بزند، او را کیفر کن! و در مجازات او بکوش، ولی این مجازات نباید پیش از حد باشد.

"تجارت و کاسبی"، آداب و شرائطی دارد، تاجر خوب، تاجری است که آداب تجارت را خوب بداند و شرائط و ساز و کارهای آنرا فرا گیرد و رعایت نماید که در این مقاله به برخی از آن شرائط اشاره گردیده. رفیق، مدارا و آسان‌گیری و رعایت حال مشتریان یکی از اصول تجارت و کاسبی است، سخت‌گیری کردن با مشتریان، باعث پراکندگی و فاصله گرفتن آنها می‌شود و در نتیجه به ورشکستگی تاجر و کاسب می‌شود. همین طور که تجارت، شرائط و ساز و کار خودش را دارد، با آسیب‌هایی نیز مواجه است "احتکار" یکی از آن آسیب‌ها می‌باشد.

۱۰-۲ تجارت و توجه به آخرت^۲

وَلَيْسَ الْمَتَجِّرُ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ تَمْنًا، وَمِمَّا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَوَضًا! وَمِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَ لَا يَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا...^۳

چه بد تجارتی است که انسان، دنیا را بهای خویشتن ببیند، و به جای نعمتها و رضایت پروردگار در آخرت، زندگی این جهان را برگزیند.

دنیا، محل گذار و عبور است و همه زندگی انسان در همین دنیا خلاصه نمی‌شود. بلکه حیات و زندگی دنیوی مقدمه و بستری است برای حیات اُخروی، و مرگ پلی است برای انتقال از زندگی محدود و گذرا به یک زندگی نامحدود و پایدار.

ماهیت و چستی مرگ، شکفتن و پابندگی است، باطن مرگ، زندگی و جاودانگی است، به قول مولوی:
ظاهرش مردن، به باطن زندگی است ظاهرش ابتر، نهان پابندگی
از رَحِم زادن، جنین را رفتن است در جهان، او را ز نو بشکفتن است
حال که اینگونه است: زندگی دنیوی، همه بهای انسان نیست، بهای انسان خیلی فراتر از این دنیاست، بنابراین:

یک کاسب و تاجر، علاوه بر تلاش و فعالیت دنیوی خود، باید توجه به گذرا بودن این دنیا، و باقی بودن آخرت داشته باشد، و از یاد آخرت غافل نباشد.

۱- نهج البلاغه نامه ۵۳/۱۰۰-۹۹

^۲According to the trade and the hereafter

۳- خطبه ۴/۳۲

حکمت ۴۳۰

زبان‌مندترین مردم در معاملات و ناامیدترین آن‌ها در تلاش و سعی، کسی است که خویشتن را در راه بدست آوردن مال فرسوده کرده ولی مقدرات، او را برای رسیدن به خواسته هایش یاری نکرده اند، از دنیا با حسرت آن بیرون رفته و در آخرت با گناه آن گام نهاده است.

کار بی حاصل و بی نتیجه، روح و جسم انسان را خسته و ملول می‌کند هر کاری باید، نتیجه خاص خودش داشته باشد.

تلاش و کوششی که انسانها انجام می دهند معمولاً آثاری در پی دارد:

— از منافع مادی آن بهره‌مند می‌شود.

— امید بہ زندگی، و ادامه حیات پیدا می کند.

— از ثواب و پاداش، آخر وی بر خوردار می‌گردد.

حال اگر یک تاجر و بازرگان، از منافع مادی کارش بهره‌مند نگردد، نه تنها قوای خود را تحلیل داده و فرسوده نموده، امید به زندگی را از دست می‌دهد، و شاید که از ثواب آخروی هم بی‌بهره بماند و در نتیجه زانوار خواهد بود.

وَكُلُّ قَدْ سَمِيَ اللَّهُ لَهُ سَهْمُهُ...

ثُمَّ اسْتَوْصَ بِالتَّجَارِ وَذَوَى الصَّنَاعَاتِ، وَأَوْصَ بِهِمْ خَيْرَ الْمُقِيمِ مِنْهُمْ وَالْمُضْطَرِّبِ بِمَالِهِ، وَالْمُتَرَقِّ بِبَيْتِهِ
و برای هر کدام از این گروه‌ها خداوند سهمی را مقرر داشته و در کتاب خدا یا سنت پیامبر (ص) این سهم
را مشخص و معین ساخته است.

سپس به تجار و بازرگانان و صاحبان صنایع توصیه کن! و آنها را به خیر و نیکی سفارش نما. (و در این توصیه بین بازرگانانی که در شهر و یا ده هستند (و دارای مرکز ثابت و تجارتخانه‌اند) و آنهایی که سیار و در گردشند، و نیز صنعتگرانی که با نیروی جسمانی خویش به کار صنعت می‌پردازند، تفاوت مگذار.

۱- تجارت و تلاش مفید و سودمند: trade and tried helpful

٢- نامه ٥٣/٢٣ و ٩٥

حکومت وظائفی دارد از جمله:

- فراهم آوردن شرائط کار و کاسبی، تجارت و صنعت در جامعه
 - تشویق، ترغیب و توجه مردم به تجارت و صنعتگران و کارو کاسبی
 - برقراری امنیت تاجران، بازرگانان، کاسبان و صنعتگران
 - نظارت بر عملکرد آنان (نه دخالت)
- طبق فرمایش امام (ع) کار حاکم و حکومت، نسبت به تجار و صاحبان صنایع، توجیه، سفارش و نظارت است نه دخالت، کار تجارت و صنعت را باید نوعاً خود مردم انجام دهند، و حکومت شرائط و ساز و کار آنها را فراهم سازد و بر کارشان نظارت داشته باشد.
- از طرفی بازرگانان و صاحبان صنایع چند دسته‌اند:
- ۱- بازرگانان و تجار بزرگی که دارای مراکزی ثابت و به اصطلاح دارای دفتر و تجارتخانه هستند.
 - ۲- بازرگانان و تجار کوچکتر و میانی که دارای مراکز تجاری کوچک اما ثابت هستند.
 - ۳- بازرگانان سیار و در گردش که به اصطلاح دوره گردی می کنند.
 - ۴- صنعتگران و صاحبان صنایع بزرگ که با دستگاه‌های مکانیکی کار می کنند، مثل کارخانه‌های بزرگ و پالایشگاه‌ها و...
 - ۵- صنعتگران و صاحبان صنایع کوچک که با نیروی جسمانی خود، مسئول کار می‌باشند، مثل کارگاه‌های کوچک نجاری، آهنگری و...
- طبیعی است که کار نظارت و بازرسی حکومت از تجارتخانه‌ها و صاحبان صنایع متفاوت خواهد بود. یعنی میزان و درجه نظارت، بازرسی و کنترل به نسبت کار تجارت و صنعت فرق می‌کند. و با توجه به شرائط خاص نوع تجارت و صنعت، نظارت و کنترل خاص خود را اقتضاء می‌کند.

۱۳-۲ تجارت و میانه‌روی^۱

حکمت ۱۴۰

قال علی (ع): ما عال، من اقتصد

کسی که در خرج کردن میانه روی نماید، هرگز نیازمند نخواهد شد.

افراط و تفریط در هر کاری مذموم و ناپسند است و باید از ان اجتناب و پرهیز نمود. زیرا افراط و تفریط ثمره‌ی جز ضرر و زیان و هدر دادن سرمایه ندارد.

یک تاجر و بازرگان، باید به طور جدی از هر کدام از دو مقوله افراط و تفریط دوری نماید و رویه اعتدال و میانه روی در کار خود پیشه خود سازد.

۱- میانه روی، اعتدال: Trade and moderation

افراط در تجارت و بازرگانی به این است که مثلاً: بیش از حد توانش کالایی را تهیه و خریداری نماید، گران فروشی و احتکار کند، در کارش بی‌اندازه سخت‌گیر و بداخلاق باشد. و تفریط در بازرگانی و تجارت در این است که مثلاً: در کار تجارت بی‌خیالی کند، بی‌اندازه مماشات نماید، در تولید و یا خرید و فروش سهل‌انگار و کوتاهی کند...

۱۴-۲ تجارت و ثواب عبادت^۱

قال علی (ع): وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ... يُحَرِّزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَتَجَرِّ عِبَادَتِهِ
حج بیت الحرام را بر شما واجب کرده است...

سودهای فراوان در این «تجارتخانه عبادت» بدست آورند (یعنی حج یک عبادت تجاری است که سودهای فراوانی عائد حاجی می‌شود)

جالب اینکه از فریضه حج به عنوان «تجارتخانه عبادت» یاد شده، این بدان معناست که «حج» کانون عبادت و سرمایه‌ای بس عظیم است که مشتری و خریدار اصلی آن خداوند تعالی است. خداوند به حج نگاه ویژه‌ای دارد زیرا کنگره‌ای و اجتماع بزرگ معامله‌کنندگان با خداست. همانگونه که به حج بعنوان تجارت با خدا دیده شده، یعنی به حج نگاه تجاری- معنوی شده، به تجارت نیز نگاه عبادی شده و بعنوان یک عبادت دیده شده است. و انتظار می‌رود بسیاری از تاجران و کاسبان علاوه بر کسب منافع مادی، به ثواب و پاداش اخروی کارشان نیز توجه داشته باشند.

۱۵-۲ تجارت و خودسازی^۲

قال علی (ع): إِنَّ الدُّنْيَا دَاوُصِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا... وَ مَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ...

همانا این دنیا جایگاه صدق و راستی است برای آنکس که آنرا تصدیق کند (با آن راستی رفتار کند)... و تجارتخانه اولیاء الله است.

نگاه به دنیا دو گونه بوده و هست، رویکرد قرآن هم به دنیا دو گونه است، در یکجا می‌فرماید:

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ^۳

همانا زندگی دنیا بازیچه و سرگرمی است.

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ^۴

زندگی این دنیا چیزی جز لهو و لعب نیست.

1- Trade and reward of worship

2- Business and foppery

۳- حدید ۲۰

۴- عنکبوت ۶۴

فَلَا تَغْرَنَكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا...^۱

زندگی دنیا شما را فریب ندهد.

و در جایی دیگر می‌فرماید:

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنْزِلَتْهُ مِنَ السَّمَاءِ...^۲

همانا دنیا همانند بارانی است که از آسمان نازل کردیم...

یعنی همانند باران، رحمت الهی است و منشا آثار و برکاتی است.

وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا...^۳

هرگز نصیب و سهم خود را از دنیا فراموش نکن...

یعنی باید تلاش کنید و سهمی که خداوند در این دنیا برای شما مقرر نموده، بدست آوری، و حق کوتاهی کردن نداری!

همین دو نگاه و رویکرد در روایات اسلامی به وفور دیده می‌شود.

لیکن در مقام مقایسه بین دنیا و آخرت، آخرت را برتر و ماندگار می‌داند و این دنیا را نردبان و وسیله‌ای برای رسیدن به آن جهان می‌پندارد. بنابراین هدف از زندگی دنیوی و فعالیت‌ها در آن، وصول و رسیدن به سعادت و رستگاری جاودانه آخرت است. خودسازی همان محور و معیاری است که انسان را به سعادت می‌رساند. ارزش تمامی فعالیت‌ها، از جمله فعالیت‌های اقتصادی، تجارت و بازرگانی این است که انسان را به خودسازی و در نهایت به سعادت اخروی برساند.

۱۶-۲ تجارت و بردن سود^۴

خطبه ۱۹۳ (متقین - یا همام)

حَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ، وَ أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ، صَبَرُوا أَيَّامًا قَصِيرَةً أَغْفَبَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً، تِجَارَةٌ مُرِيحَةٌ، يَسْرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ...

نیازمندی‌هایشان خفیف (سبک و اندک) ارواحشان عفیف و پاک است، برای مدتی کوتاه در این جهان

صبر و استقامت ورزیده و راحتی بس طولانی بدست آوردند...

تجارتی است پر سود، که پروردگارشان برایشان فراهم ساخته...

اصلاً تجارت و بازرگانی برای کسب در آمد و سود بردن است. سود متعارف و مشروع در معاملات، امر ضروری و پسندیده است.

شرع مقدس، کسب سود در معاملات و فعالیت‌های اقتصادی را به رسمیت شناخته، و از کاسبان و تاجران می‌خواهد که در معاملات خود رعایت انصاف را داشته باشند، و اجناس خود را گران نفروشند، اما در

۵- لقمان ۳۳

۱- یونس ۲۴

۲- قصص ۷۷

۳- تجارت پرسود: Lucrative trade

عین حال، باید از منافع و سود تجارت بهره‌مند شوند، چرا که تجارت بی‌سود، همانا ضرر و زیان خواهد بود.

۱۷-۲ تجارت و احسان و بخشش (پرهیز از گران‌فروشی)^۱

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ عَضُوضٌ، يَعْضُ الْمُسَرُّ فِيهِ عَلَى مَا فِي يَدَيْهِ وَكَمْ يُؤْمَرُ بِذَلِكَ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ "وَلَا تَسْأُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ"؛ تَهْدُ فِيهِ الْأَشْرَارُ وَتُسْتَدَلُّ الْأَخْيَارُ وَيَبَايِعُ الْمُضْطَرُّونَ، وَقَدْ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) عَنْ بَيْعِ الْمُضْطَرِّينَ.

زمانی در پیش است سخت، که ثروتمندان بر آنچه در دست دارند دندان می‌فشارند. در حالی که چنین دستوری به آنها داده شده است.

خداوند سبحان می‌فرماید:

احسان و بخشش بین خود را فراموش نکنید.

در آن زمان اشرار و بدان را بلند مرتبه، و نیکانرا خوار می‌کنند، و مردم بینوا هستی خود را از روی اضطراب به قیمت کم می‌فروشند. و متمکنان از آنها می‌خرند در حالی که پیامبر (ص) از چنین معامله‌ای نهی کرده است.

یکی از ساز و کارهای تجارت و کسب و کار، احسان و نیکی با مردم است. تاجر، باید نیکوکار و اهل بخشش باشد و از گران‌فروشی و کم‌فروشی بشدت پرهیز نماید.

در معاملات خود با مردم، سخت‌گیر، لجوج و یک‌دنده نباشد، کم بگیرد اما بیشتر بدهد. با مردم به نیکی و مدارا رفتار نماید.

زیرا، احسان و نیکی کردن به مردم، سبب جذب و جلب مشتری بیشتر و در نتیجه رونق پیدا کردن تجارت و کاسبی می‌شود.

فصل ۳: ویژگی‌ها و خصوصیات تاجران

۱-۳ تجار و ضرورت وجود آنها

نامه ۵۳ / ۴۱

وَاعْلَمُ أَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ، وَلَا غِنَى بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ... وَمِنْهَا التَّجَارُ وَأَهْلُ الصَّنَاعَاتِ...

ای مالک! همانا بدان که مردم از طبقات و گروه‌های مختلفی تشکیل یافته‌اند، که هر کدام جز به وسیله دیگری اصلاح و تکمیل نمی‌شوند و هیچ‌کدام از دیگری بی‌نیاز نیستند.

این گروه‌ها عبارتند از:...

۱- گران‌فروشی: Overcharging

از جمله آنان، تجار (بازرگانان) و صنعتگران هستند. واضح است که در یک جامعه، طبقات و اقشار مختلفی از مردم وجود دارند، که وجود هر یک از آنها لازم و ضروری است و کفایت از وجود اقشار و صنوف دیگر نمی‌کند. تاجران و صنعتگران، وجودشان در جامعه ضروری و حیاتی است. پیشرفت و رونق اقتصادی هر جامعه، منوط به وجود و فعالیت صاحب صنعت و تجارت است. اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی، بستر رشد و شکوفایی سایر طبقات و صنوف را فراهم می‌سازند.

۳-۲ تجارت، اسباب و آسایش و آرامش

فَانَّهُمْ مَوَادُّ الْمَنَافِعِ، وَ اسْبَابُ الْمَرَافِقِ، وَ جُلَّاهُهَا مِنَ الْمَبَاعِدِ وَ الْمَطَارِحِ، فِي بَرِّكَ وَ بَحْرِكَ، وَ سَهْلِكَ وَ جَبَلِكَ، وَ حَيْثُ لَا يَلْتَمِ الْنَاسُ لِمَوَاضِعِهَا، وَ لَا يَجْتَرِئُونَ عَلَيْهَا. .. چرا که آنها (یعنی تجار و صنعتگران) منابع اصلی منافع و اسباب آسایش جامعه به شمار می‌روند، آنها هستند که از سرزمین‌های دور دست، از پرتگاه‌ها و کوهستان‌ها و دریاها، و سرزمین‌های هموار و ناهموار، مواد مورد نیاز را گرد می‌آورند، از مناطقی که عموم مردم با آن سروکاری ندارند، و جرات رفتن به آن سامان را نمی‌کنند.^۲

۳-۳ تجارت، عامل صلح و دوستی

نامه ۵۳ / ۹۷

فَانَّهُمْ سَلَمٌ لِّلْخَافِ بِأَنْفُسِهِ، وَ صَلَاحٌ لِّلْخَشْيِ غَائِلَتِهِ. وَ تَقْفِدُ أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَ فِي حَوَاشِي بِلَادِكَ (توجه داشته باش) که از بازرگانان (پیشه‌وران) و صنعتگران مردمی سالمند و از نیرنگ و شورش آنها بیمی نیست، آنها صلح دوست^۳ و آرامش طلبند، اما باید از وضع آنان (چه آنها که در مرکز فرمانداری تو زندگی می‌کنند و چه آنها که در گوشه و کنار هستند) جستجو و بازرسی کن.

۳-۴ تجارت و اهل نیکوکار بودن

حکمت ۲۵۸

إِذَا أَمْلَقْتُمْ، فَتَاجِرُوا آلَّهَ بِالْصَّدَقَةِ آن گاه که فقیر و نیازمند شدید، با خداوند بوسیله صدقه تجارت کنید.

1- Merchants and industrialists
2- Merchants comfort and peace
3- Businessman peace and friendship

ماهیت کار تجارت و بازرگانی، نیکوکار بودن است، چرا که نیکوکاری و بذل و بخشش، فرع دارایی و توانگری است، یعنی کسی که داراست می تواند احسان کند و ببخشد. فردی که چیزی در بساط ندارد، چه چیزی را ببخشد؟! از شخص فقیر و ندار، انتظار بخششی هم نیست.

لذا خمس، زکات، مالیات و غیره بعنوان تکالیف مالی، متوجه کسانی است که دارا هستند، و الا کسی که ندارد تکلیف شرعی مالی هم ندارد. پس تاجران، بازرگانان و صنعتگران، بعنوان صاحبان ثروت و دارایی، باید نیکوکاران و اهل انفاق و بذل و بخشش باشند، از آنان انتظار دارد.

۳-۵ تجار و رغبت به کار و تلاش

حکمت ۲۳۷

إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ...

همانا گروهی خدا را از روی میل و رغبت (به بهشت) پرستش و عبادت می کنند این عبادت تجار است و گروهی او را از روی ترس می پرستند و این عبادت بردگان است و گروهی خدا را بخاطر شکر نعمت ها (و اینکه او شایسته عبادت است) می پرستند و این عبادت آزادگان است.

بدون شکست، رغبت به کار و تلاش در میان تاجران، بازرگانان و صنعتگران، بمراتب از دیگر اقشار بیشتر است، زیرا مضافاً بر اینکه بطور طبیعی افراد توانگر و دارا، دوست دارند به توانگری و دارایی خود بیفزایند، از طرفی آنان نمی توانند سرمایه های خود را راکد نگه دارند و به ناچار سرمایه های خود را به گردش در می آورند و این یعنی ایجاد کار و تلاش.

فصل ۴: تاجران و خطرات پیش روی

نامه ۳۱ / ۷-۹۶

وَمِنْ الْفَسَادِ إِضَاعَةُ الزَّادِ، وَمَقْسَدُهُ الْمَعَادِ. وَلِكُلِّ أَمْرٍ عَاقِبَةٌ، سَوْفَ يَأْتِيكَ مَا قُدِّرَ لَكَ. التَّاجِرُ مُحَاطِرٌ. وَرُبَّ بَسِيرٍ أُنْمِيَ مِنْ كَثِيرٍ! لَا خَيْرَ فِي مُعِينٍ مُهِينٍ، وَلَا فِي صَدِيقٍ ظَنِينٍ.

از موارد فساد (و مفسده): از بین بردن زاد و توشه، و تباه ساختن معاد است. هرکاری سرانجامی دارد، بزودی آنچه برایت مقدر شده به تو خواهد رسید، هر بازرگانی همواره خود را در مخاطره می اندازد (تا نتیجه گیرد).

بسیار شده که سرمایه کم رشدش از سرمایه زیاد بیشتر بوده است نه در کمک کار (کمک کننده) پست خیری وجود دارد، و نه در دور دست متهم و ظنین.

همانگونه که هرکاری با خطرات و آسیب هایی مواجهه بوده، تجارت هم خطرات و آسیب های خاص خودش را دارد، که تاجر باید تلاش کنند از این خطرات بدور بوده و گرفتار آنها نشوند...

تجارت و بازرگانی، کاری بسیار مهم و با اهمیت بوده، لذا با خطرات جدی و مشکلات خاصی روبرو بوده، یک تاجر موفق، تاجری است که این مشکلات و خطرات را بشناسد، موانع کار را بداند و برای مواجه شدن با آنها تدابیری بیندیشد.

در اینجا به برخی از این خطرات اشاره می شود:

۱-۴ تجارت و خطر احتکار^۱

نامه ۵۳ / ۹۸

و اعْلَمُ - مَعَ ذَلِكَ - أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضِيقًا فَاحِشًا، وَ شَحًّا قَبِيحًا، وَ احْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ، وَ تَحَكُّمًا فِي الْبِيعَاتِ، وَ ذَلِكَ بَابٌ مُضَرٌّ لِلْعَامَّةِ، وَ عَيْبٌ عَلَى الْوُلَاةِ، فَامْنَعْ مِنَ الْاِحْتِكَارِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) مَنَعَ مِنْهُ...

ولی بدان با همه آنچه گفتیم در میان آنها گروهی تنگ نظر و بخیل، آنها بصورت قبیح و زشت آن می باشند، که همواره در پی احتکار مواد مورد نیاز مردم و تسلط یافتن بر تمام معاملات هستند. و این موجب زیان توده مردم، و عیب و ننگ بر زمامداران است. از احتکار به شدت جلوگیری کن، که همانا رسول خدا (ص) از آن منع فرمود.

یکی از خطرات جدی و بنیادی تجارت «احتکار» است. احتکار از ماده «حکر» است و «حکر» به معنای ذخیره کردن مواد غذایی به امید و انتظار بالا رفتن قیمت است.

به نظر برخی از لغت شناسان «احتکار» به معنای :

جمع آوری و نگهداری طعام و آنچه که خورده می شود. به امید گران شدنش است.^۲

1- Traders and risk of speculation

۲- ابن منظور، لسان العرب، ج ۴ ص ۲۰۸، چاپ سوم، بیروت ۱۴۱۴

به طور مسلم، احتکار در شرع مقدس نهی شده است و عده زیادی از فقها آنرا حرام دانسته‌اند.^۱

در روایات اسلامی، احتکار را به شدت نکوهش شده، برای نمونه:

امام علی (ع) فرموده:

احتکار، خصلت تاجران است.^۲

محتکر اهل معصیت و گناهکار است.^۳

محتکر ملعون است.^۴

بنابراین، تجار و بازرگانان، باید از احتکار و ذخیره‌سازی مواد غذایی مردم به امید بالا رفتن قیمت دوری گزینند.

۲-۴ تجار و خطر کبر و غرور

مَنْ أَوْلَادِ الْقَانِ... إِلَى الْمَوْلُودِ الْمُؤْمَلِ مَا لَا يُدْرِكُ... رَهْبَةُ الْآءِ يَامَ وَ رَمِيَةِ الْمَصَائِبِ، وَ عَبْدِ الدُّنْيَا، وَ تَاجِرِ الْغُرُورِ، وَ

(این نامه‌ای است) از پدری فانی... به فرزندی آرزومند چیزی که هرگز بدست نمی‌آید... گروگان

روزگار، در تیررس مصائب، بنده دنیا، و بازرگان مغرور

کبر و غرور، آفت و آسیب است که با شایسته انسان سازگاری ندارد، و انسان را از مقام و منزلتش ساقط می‌کند.

ماهیت انسان (بعنوان مخلوق و آفریده) با تواضع و فروتنی توأم بوده، و اینکه انسان موظف و مکلف به بندگی خدا شده، خواستگاه طبیعت و ماهیت اوست.

حال انسان در هر موقعیتی که باشد، باید روحیه تواضع و فروتنی خود را حفظ نماید و از تکبر و غرور بی‌جا دوری نماید.

گرچه احساس غنی و بی‌نیازی، ملازم با کبر و غرور است، تجار و بازرگانان، چون با ثروت و دارایی همراه و مقرون هستند لذا بطور مداوم و پیوسته با خطر غرور و تکبر (و خود بزرگ بینی) مواجه هستند که باید مواظب باشند که در دام این خطر نیفتند.

۳-۴ تجار و خطر ورشکستگی

... وَ تُجَاراً بِلَا أَرْبَاحٍ، وَ أَتِقَاطاً نَوْمًا، وَ شُهُوداً غَيِّبًا...

تجاری (تاجرانی) بی سود، بیدارانی در خواب، و حاضرائی غائب...

۱- امام خمینی، کتاب البیع، ج ۳، ص ۶۱۱

۲- غرر الحکم و درر الحکم، ص ۳۶۱

۳- دعائم الاسلام، ابن حیون، لقمان بن محمد مغربی

۴- کلینی، الکافی، ج ۱۰، ص ۶۰

بزرگترین خطری که یک تاجر و بازرگان را تهدید می کند «خطر ورشکستگی» است. ورشکستگی در تجارت، خطر بسیار ناگواری است که تاجر را به ایستگاه آخر فعالیت اقتصادی و بعضاً به نقطه صفر می رساند.

همانگونه که پیشرفت و رونق در تجارت، سازوکار خودش را دارد، ورشکستگی نیز فرآیندی دارد. ورشکستگی، مراتب و درجاتی دارد و متأثر از شرایط پیرامونی مختلفی است، تاجر باید این شرایط را مراقبت نماید.

تجارت با خطرات دیگری نظیر: گرانفروشی، کمفروشی و... مواجه بوده که فعلاً از پرداختن به آنها صرف نظر می شود.